زن در حج گزاري مسلمانان )قسمت اول(

مهدي مهريزي

حج يكي از مظاهر و منابع فرهنگ و تمدن اسلامي است. مي­توان گفت يكي از راه­هاي پي بردن به نظريه‌هاي اسلامي در موضوعاتي خاص، تحليل معارف و آموزه­هاي ديني دربارة حج است؛ چنانكه تحليل وقايع و آنچه در حج­گزاري مسلمانان رخ داده نيز مي تواند نشان دهندة بازتاب و تأثير آن آموزه­ها در زندگي مسلمانان باشد.

موضوع و مبحث زن از مباحثي است كه مي­توان آن را در پرتو تعليمات اسلامي در بارة حج و نيز حج­گزاري مسلمانان به بحث گذاشت.

اين مسأله را از چند زاويه مي‌توان مطالعه كرد:

الف: آموزه هاي اسلاميِ حج، چه تصويري از زن را نشان مي دهد.

ب: رفتار و فرهنگ مسلمانان حج­گزار تا چه پايه بدان آموزه­ها نزديك است و از آن تأثير پذيرفته و مي­پذيرد.

ج: تلقّي زنان از حج و آموزه‌هاي آن چيست و زنان مسلمان چه كارهايي در بارة حج به انجام رسانده­اند.

بر اين اساس، بررسي همه جانبة مسألة «زنان و حج» ايجاب مي­كند که پژوهش­هايي در سه محور انجام گيرد:

يك. زن درآموزه‌هاي دينيِ حج

دو. زن در حج­گزاري مسلمانان

سه. تلقّي زنان از حج و رفتار زنان در بارة حج در تاريخ اسلامي

در ذيل هر يك از اين سه محور به اين موضوعات جزئي بايد پرداخته شود.

<="" p="">

1. وجوب حج بر زنان

2. همراه داشتن مَحرم در سفر حج

3. حج استحبابي زنان

4. اشتراط و عدم اشتراط اذن همسر در سفر حج واجب

5. اختلاط زن و مرد در طواف

6 . عدم اشتراط تقدم و تأخر در نمازهاي مسجد الحرام

7. وجوب كشف صورت براي زنان در احرام

و...

\* زنان در حج­گزاري مسلمانان

1. زن در سفرنامه­هاي مردان

2. قوانين و مقررات كشورهاي اسلامي نسبت به حج زنان

3. قوانين و مقررات وضع شده از سوي اميران مكه و مدينه نسبت به حضور زنان

و...

\* حج­گزاري زنان در دوره­هاي اسلامي

1. چگونگي حج­گزاري زنان

2. خدمت زنان به حج

3. تلقي و برداشت زنان از احكام و اسرار و معارف سفر حج

ـ مقايسة سفرنامه­هاي مردان و زنان

ـ تحليل­هاي زنان در باب اسرار و معارف حج

ـ فتاوا و آراي فقهي زنان دربارة حج

آنچه تاكنون دراين زمينه­ها به­صورت ويژه تأليف شده، بسيار اندك است. آثاري در باب مناسك و احكام بانوان تأليف گرديده كه كهن­ترين آن كتاب مناسك النسوان، شيخ ابوالفتوح كراجكي (م 449ق.) است كه به درخواست صارم الدوله تحرير شده است.(1)

همچنين كتابي با عنوان نهج البيان في مناسك النسوان.(2)

در دوران معاصر نيز كتبي با عنوان احكام بانوان در عمره و حج بر پاية فتاواي فقهي مراجع تقليد نشر يافته است.

از اين­گونه آثار فتوايي و فقهي كه بگذريم، مي­توان به كتاب الدرر الفرائد المنظمة في أخبار الحاج و طريق مكة المعظمة، تأليف عبدالقادر محمد بن عبدالقادر بن محمد الانصاري الجزيري الحنبلي (م 977ق.) اشاره كرد كه در جلد دوم، 26 تَنْ از زنان سرشناس و بزرگ را كه به حج رفته­اند، معرفي مي­كند.(3)

همچنين مقاله­اي در ميقات حج، (ش53) با عنوان زن و حج( 4 ) به چاپ رسيده كه به مباحث كلي در اين موضوع پرداخته است.

در اين نوشتار مباحثي در محور دوم؛ (زن در حج گزاري مسلمانان) ارائه مي­گردد و اين قسمت از مقاله، گزارشي است از بررسي سفرنامه­هاي حج مردان.

زن در سفرنامه­هاي حج

1. سفرنامه نويسي از منابع معرفتي در حوزة تاريخ است. در سفرنامه­ها اطلاعاتي دربارة تمدن­ها، آداب و رسوم ملل، علوم و دانش‌هاي معمول، روابط سياسي و روحيه‌هاي فردي، جامعه شناسي ملل و بسياري چيزهاي ديگر نهفته است. براي دوره­هايي از تاريخ كه منابع اندك دارد سفرنامه­ها گنجينة ارزشمندي را در خود جاي داده­اند.

2. برهمين قاعده، سفرنامه­هاي حج، كه توسط مسلمانان و مورّخان به تحرير درآمده، يكي از گنجينه­هاي ارزشمند، براي آگاهي از فرهنگ حج در گذشته‌هاي دور و نزديك است.

در ادوار مختلف، بيش وكم مسلمانان در شرق و غرب جهان اسلام، به فارسي و عربي سفرنامه­هايي را به قلم آورده­اند، كه بسياري از آن­ها تاكنون به چاپ رسيده و مواردي نيز هنوز چاپ نشده يا متن آن مفقود گرديده است.

براساس تتبّع يكي از محققان، تاكنون 50 سفرنامه به زبان عربي( 5 ) و نيز 101 سفرنامه به زبان فارسي تحرير شده است.(6)

3. از موضوعاتي كه در تجزيه و تحليل سفرنامه­هاي حج مي­بايست مورد توجه و دقت قرار گيرد، مسألة «زن در سفرنامه ها» است. اين مسأله از دو زاويه قابل تحليل و بررسي است:

\* بررسي سفرنامه­هايي­كه به دست زنان نگارش يافته و مقايسة آن با سفرنامه­هاي مردان.

\* زن به عنوان يك موضوع در سفرنامه‌ها؛ سفرنامه­هاي زنان يا سفرنامه­هاي مردان.

مقصود آن است كه با تحليل و بررسي سفرنامه­ها روشن گردد كه:

آيا سفرنامه نويسان درگزارش حج به حضور زنان توجه داشته­اند يا خير؟

و اگر توجه داشته­اند، چه چيزي بيشتر براي آنان قابل توجه بوده است؟

عبادتشان، تبعيض­ها، حجابشان و يا امور ديگرآنان؟

از اين بررسي­ها مي­توان به دست آورد که حضور زنان در حج چه ميزان بوده است و نيز نوع پوشش و تعامل آنان با مردان را تا حدّي مي­تواند از دل اين سفرنامه­ها به دست آورد.

همچنين از اين بررسي­ها مي­توان تفاوت نگاه سفرنامه­نويسانِ غرب و شرق جهان اسلام و نيز زنان و مردان را استخراج و تحليل كرد.

در اين نوشتار، سه مورد از سفرنامه­هاي كهن؛ يعني سفرنامة ناصرخسرو قبادياني، ابن جبير و ابن بطوطه و يك مورد از سفرنامه­هاي دورة معاصر؛ يعني سفرنامة جلال آل احمد مورد پژوهش و بررسي قرار گرفته است:

1. سفرنامة ناصرخسرو قبادياني

(481 ـ 394 ق.)

ناصر خسرو تا 43 سالگي شغل ديواني و دبيري داشت و در آن سن، دچار انقلاب روحي شد و عزم سفر كرد. سفر وي هفت سال طول كشيد و در اين هفت سال، چهار نوبت حج به­جا آورد. گزارش سفر هفت سالة او، سفرنامة وي مي­باشد كه به زبان فارسي نگاشته شده است.

شرح چهار نوبت حج وي، كه چهارمين آن مفصل­ترين آن­ها است، از سفرنامه استخراج شده و در فصلنامة «ميقات حج» ( 7 ) به صورت كامل آمده است. قابل توجه آن كه در اين چهار سفر، هيچ ياد و نشاني از خوبي يا بدي زنان نيست. نوبت­هاي حج ناصر خسرو بدين قرار است:

سفر اول: سال 438 قمري.

سفر دوم: سال 439 قمري. ورود به مدينه 26 ذي قعده و خروج از مكه 12 ذي حجه.

سفر سوم: سال 440 قمري. ورود به مكه 8 ذي حجه.

سفر چهارم: سال 442 قمري. ورود به ­مكه يكشنبه آخر جمادي­ الآخر و خروج از آن، 19 ذي­حجه.

2. سفرنامة ابن جبير (614 ـ 540 ق)

محمّد بن احمد بن جبير در بلنسية اسپانيا متولد شد. وي شاعر، اديب، فقيه و سيّاح بود. سه بار به مشرق زمين سفر كرد و علاوه بر زيارت خانة خدا، شهرهايي را­كه در مسير اسپانيا به مكه است ـ مانند مدينه، كوفه، بغداد، موصل، حلب و دمشق­ ـ ديد و در سفر اخير خود، در اسكندريه درگذشت.

سفرنامة وي، گزارش يكي از اين سفرهاست كه در جمعه، سي ام شوال 578 قمري آغاز شده( 8 ) و روز پنج شنبه 22 محرم سال 581 به شهر خود، غرناطه مي­رسد. مدت اين سفر دو سال و سه ماه و نيم بود.(9)

وي در اين سفر، روز پنج شنبه 13 ربيع‌الآخر سال 579 قمري به مكه مي­رسد و 22 ذي حجة همان سال از مكه خارج مي‌شود و روانة مدينه مي­گردد. اقامت وي در مكه 245 روز (هشت ماه و اندي) به طول مي­انجامد.(10) پس از ورود به مدينه، پنج روز نيز در آن جا اقامت مي­گزيند و روز شنبه هشتم محرم از مدينه عازم عراق مي­شود.( 11 )

اين سفرنامه توسط پرويز اتابكي به فارسي ترجمه شده و در سال 1370 از سوي مؤسسة چاپ و نشر آستان قدس رضوي به چاپ رسيده است.

اين سفرنامه، حاوي مطالب و نكات تاريخي و جغرافيايي فراوان است كه در اين­جا تنها نگاه او به زن گزارش مي­شود. اين سفرنامه از معدود سفرنامه­هايي است كه توجه بسيار به حضور زنان دارد و در جاي جاي آن، گزارش­هايي در اين باب ديده مي­شود.

اکنون برخي از اين موارد را مي­آوريم:

\* آمدن باران در مسجد الحرام

«از آنچه واجب است در بركت زيارت و فضل ديدار (بيت الله الحرام) ثبت و درج شود، اين است كه در روز جمعه نوزدهم جمادي الأولي، برابر نهم سپتامبر، خداوند درياي رحمت خود را موّاج ساخت و چنان كه پيامبر خدا (صلّي الله عليه وآله وسلّم ) فرموده است: سرچشمة فيّاض باران سرازير شد و اين (بارندگي) پس از نماز عصر و پيش از شامگاه روز مذكور بود. باراني نيكو باريدن گرفت و مردم به حِجْر روي آوردند و زير ناودان مبارك (كعبه) ايستادند، پيراهن­هاي خود را از تن برون كردند و آبي را كه از ناودان فرو مي­ريخت بر سر و دست و دهان خويش افشاندند و نوشاندند و پيرامون آن محل به انبوهي گردآمدند و ازدحام كردند و غريو و غلغله­اي بزرگ برآوردند. هر كس مي خواست و مي­كوشيد از آن رحمت الهي به پيكر خود سهم و نصيبي رساند، بانگ دعاي ايشان بر آسمان بلند بود و اشك سيل آساي اهل خشوع و زاري آنان سرازير بود و جز بانگ استغاثه دعا و شيون گريه به گوش نمي­رسيد. زنان بيرون از سنگچينِ حِجْر ايستاده و با ديدگاني اشكبار و دل‌هايي زار و بي قرار آرزو مي‌كردند كه بدان جايگاه در توانند آمد، بعضي از حاجيانِ نايب الزّيارة مهربان، جامة خود

را بدان آب مبارك تر مي­كردند و نزد زنان مي‌آمدند و آن جامه را بر دست بعضي از زنان مي افشردند، ايشان آن را مي­نوشيدند و بر رخساره و تن خويش مي فشاندند.» ( 12 )

\* ورود زنان به درون كعبه

ابن جبير گويد: «درِ كعبه (و بيت الله العظيم) به روزهاي دوشنبه و آدينه گشوده مي­شود جز در ماه رجب كه هر روز باز مي‌شود» ( 13 ) در اين روزها فقط مردان به درون كعبه مي­روند. در روز بيست و نهم رجب رفتن به درون كعبه اختصاص به زنان دارد. وي گزارش آن را چنين مي آورد:

«روز بيست و نهم اين ماه (رجب)؛ يعني روز پنج شنبه (زيارت درون) خانة كعبه تنها به زنان اختصاص داده شد و آنان از هر كران درآمدند و از چند روز پيش همچون آمادگي و گردهمايي براي ديدار (ديگر) زيارتگاه­هاي مكرم، بدين مناسبت خود را آماده كرده و جشن گرفته بودند و زني در مكه نماند مگر آن­كه آن روز در بيت الحرام شرف حضور و عزّ التزام يافت. چون كليدداران و پرده داران كعبه براي گشودن در آن خانة كريم به عادت قديم (به درون كعبه رفتند) در خروج از كعبه شتاب كردند (و از زمان توقف معهود خويش به ديگر روزها كاستند) و راه را براي ورود زنان گشودند. مردم نيز به­خاطر آن­ها از طوافگاه و حيطة حِِجر (اسماعيل) دور شدند و پيرامون آن خانة مبارك، يك تن از مردان باقي نماند. زنان شتابان از پلكان به آستان كعبه بالا رفتند؛ چنان­كه پرده داران هنگام به زير آمدن از آن گرامي خانه، نمي‌توانستند از ميان آنان راهي به بيرون يابند. زنان زنجيروار به يكديگر پيوستند و چنان يكديگر را مي­فشردند (كه به يك لغزش پاي) شيون كنان و تكبير و تهليل گويان بر روي هم فرو غلتيدند. ازدحام ايشان به ازدحام قبايل سرويمني هنگام درنگ آنان در مكه و بالا رفتن آنان (بر آستان كعبه) به روز (اعلام خبر) فتح بيت‌المقدس مي مانست و حالِ اينان همان حال بود (و همان غوغا و قيل و قال) انبوه زنان، نيمة اول روز را به همين وضع ادامه دادند و در طوافگاه و حِجر، داد دل گرفتند و از بوسيدن حجر الأسود و دست سودن بر اركان (كعبه) شفاي جان جُستند. اين روز نزد آنان بس بزرگ و نامدار و درخشان و با اعتبار بود. خداوند آنان را مستفيد فرمايد و عبادت خالصانة ايشان را عبادتي محض ذات كريم خود محسوب دارد.

باري به سبب وجود انبوه مردان (كه همواره كعبه را انباشته­اند) اين زنان بينوا و مغبون­اند؛ زيرا خانة گراميِ كعبه را مي­بينند و در آن پناه گرفتن نمي­توانند. حجرالأسود مبارك را مي نگرند و بر بوسيدن آن حسرت مي­برند (و خون دل مي خورند) و بهرة آنان از اين فيض، تنها ديدن است و آه به افسوس دميدن و در عالم خيال پر كشيدن و آنان را جز طوافي از دور بهره­اي منظور نيست. ايشان سال به سال به انتظار اين روز و بروز اين حال، چنان مانند كه چشم به راه شريف‌ترين و گرامي­ترين عيدها دارند و در آماده شدن براي بزرگداشت و فراهم آوردن وسايل اين عيد زياده­روي­هاي بسيار و تكلّف­هاي بي­شمار كنند. خداوند به فضل و كرم خود، بدين حسن نيت و اعتقاد، ايشان را جزاي خير دهاد!» ( 14 )

\* حضور بي شمار زنان ايراني در مكه

«اميرالحاج عراقي با جمعي رسيده بود كه پيشتر هرگز بدين حد نرسيده بود. همراه او اميران ايراني خراساني و بانوان شايستة ممتازي بودند كه خاتون ناميده مي­شوند و جمع آنان را خواتين گويند و نيز بانوان بسيار از اميرزادگان و ديگر ايرانيان به قدري آمده بودند كه به شمار در نمي گنجيد.» ( 15 )

\* سه خاتون نامدار و نيكوكار

«ما روز جمعه به سببي عجيب در آن‌جا درنگ كرديم؛ بدين معني كه براي ملك خاتون ـ دختر امير مسعود، شاه دربند و ارمنستان تا سرزمين روم ـ كه يكي از سه خاتوني بود كه به حج آمده بودند، ماجرايي پيش آمد. اين خاتونان همراه اميرالحاج، ابوالمكارم تاشتكين، غلام اميرالمؤمنين كه هر سال از جانب خليفه اعزام مي شود و هشت سال يا بيشتر است كه اين مهم را بر عهده دارد ـ به مكّه آمده بودند و اين خاتون، به سب وسعت مملكت پدر خود، گرانقدرترينِ خاتونان بود. مقصود از معرّفي و ذكر ماجراي او اين است كه وي شب جمعه با چند تن از خدمتگزاران خاصّ و اطرافيان خود شبانه از بطنِ مُرّ روانه مكّه شد و روز جمعه جاي او در ميان كاروان تهي بود. اميرالحاج معتمداني از ياران خاصّ خود را به جستجو فرستاد تا او را بيابند و سبب انصراف او را از همراهي با كاروان جويا شوند، از اين رو مردم را به انتظار او نگهداشتند تا شبانگاه روز شنبه بيامد. دربارة سبب انصراف اين خاتون نازپرورده، تيرهاي حدس و گمان از هر سو روان شد و اذهان كاروانيان براي فهميدن راز نهفتة او به كار افتاد. پاره­اي مي‌گفتند: سبب انصراف او مخالفت و انتقادي بوده است كه بر رفتار

اميرالحاج رانده و پاره‌اي مي­گفتند: جَذَبات شوقِ مجاورت كعبه مكرّم او را ديگر بار به زيارت آن خانة معظّم كشانده است و دانستن غيب بر كس به­جز خداي نمانده. باري اصل ماجرا هر چه بود، خداوند آن درنگ و معطّلي كاروان را چاره ساز شد و راه ادامه حركت حاجيان باز و خدا را بر اين امر و گشايشِ كار سپاسِ خاصِّ بسيار باد! پدر اين زن

ـ چنان كه پيشتر گفتيم ـ امير مسعود است و او را مملكتي است چنان پهناور و حكومتي گسترده كه طبق معلومات مسلّم بر ما، بيش از يكصدهزار سوار در خدمت دارد و دامادِ او، همسر همين خاتون، نورالدين صاحب آمِد و جز آن است و نزديك به دوازده هزار سوار دارد. اين خاتون (نيكوكار) را در راه سفرِ حاجيان آثارِ نيك بسيار است و از آن جمله سقاخانه­هايي است در راه كه براي رساندن آبِ رايگان تعيين كرده و نزديك به سي اشتر و دولابِ آبكشي دارد و همچنين براي تأمين و حمل ره توشه زائران بيت‌الله از قبيل جامه و زادِ راه و ديگر چيزها نزديك به يكصد شتر اختصاص داده است. شرح كارهاي نيك او به درازا مي كشد. وي نزديك به بيست و پنج سال عمر دارد.

خاتون دوّم مادر معزّالدين صاحب موصل و همسر بابك ، برادر نورالدين است كه صاحب شام بود ـ خدايش رحمت كند­ ـ و اين زن را نيز كارهاي نيك و احسان بسيار است.

خاتون سوم دختر دقوس صاحب اصفهان، از بلاد خراسان است، او زني است گرانقدر و بزرگ شأن كه در اعمال خير پيشدستي مي كند و كارهاي نيك اين هر سه زن و اهتمام آنان بر (انجام) اعمال خير، همراه با شكوه و جلال سلطنتي بسيار شگفت انگيز و تحسين آميز است.( 16 )

خاتوناني كه از ايشان نام برديم ـ اگر خود هر سال حج نگزارند ـ اشتراني آبكش را همراه موثّقانِ خود با حاجيان روانه كنند كه براي سيراب كردن آوارِگان مانده در راه، در سراسر جادّه در جاي­هايي معلوم مستقر شوند. در تمام راه، همراه اين شتران آب هست، نيز در عرفات و مسجد الحرام به هر روز و شب، رايگان آب رسانند و آن نيكخواهان را از اين راه اجري بزرگ حاصل آيد و توفيق (انواع) خدمت جز از جانب خداي جلّ جلاله نيست. در طول راه همواره بانگ سواران بر اشترانِ آبكش شنيده مي­شود كه مردم را به برگرفتن آبِ رايگان مي­خوانند و كساني كه ره توشه و آبشان تمام شده نزد آنان مي­آيند و ابريق­هاي خود را پر مي كنند و منادي به بانگ رسا مي­گويد: خداوند ملكه خاتون، دختر فلان پادشاه را كه مقامي چنين و چنان دارد پايدار و باقي گذارد. اين سخن را از آن رو مي گويد كه نام آن خاتون نيكخواه را اعلام كند و عملِ خير او را اظهار دارد و از مردم در حق او دعا طلبد، خداوند پاداش كسي را كه كاري خير كند ضايع نسازد! ما پيشتر معناي اين لفظ، (خاتون) را شرح داديم و گفتيم كه مصداق آن نزد ايشان معادل مصداق «بانوي بزرگوار» يا مفهومي شايسته و سزاوار اين لفظ گرانبار شاهانه زنانه است.( 17 )

از شگفتي­هايي كه در امر بديع حفظ آبرو و كسب اشتهار (و علاقة بزرگان به داشتن ارج و اعتبار) ديديم اين بود كه يكي از خاتونان ياد شده؛ يعني دختر امير مسعود ـ كه پيشتر از او و پدرش ياد كرديم ـ عصر روز پنج شنبه ششم محرّم و چهارمين روز وصول ما به مدينه، در حالي كه بر تخت روان خود سوار بود و پيرامونش تخت روان­هاي نديمه­ها و خادمانش حركت مي­كرد و قاريان پيشاپيش او مي­آمدند و (فرّاشانِ) جوان و صقلبيان عمودهاي آهنين در كف، گرد او مي گشتند و مردم را از برابر او دورباش مي دادند. بيامد تا به در مسجد مكرّم رسيد و آن جا در پناه ملحفه­اي كه بر او افكنده بودند پياده شد و به راه افتاد و براي عرض سلام به پيشگاه حضرت خيرالأنام پيش رفت و كنيزان و بندگان پيشاپيش او مي‌رفتند و خادمان در حق او بانگ به دعا بر مي‌داشتند و نام او را برزبان مي­راندند. سپس به روضه كوچك كه ميان تربت مكرّم و منبر قرار دارد رفت و در پناه همان چادر نماز گزارد و آن گاه به سوي بدنه غربي روضة مكرّم رفت و در آن جا كه گويند محل فرود آمدن جبريل(عليه السلام) بوده بنشست. برابرِ او پرده­اي افكندند و (فراشانِ) جوان و صقلبيان و پرده داران وي پشت آن پرده و گوش به فرمان او ايستادند. دو عدل كالا براي تقديم صدقه، همراه او به مسجد آوردند. وي تا رسيدن شب همچنان در جاي خود بماند تا خبر رسيد كه صدرالدين رئيس اصفهاني شافعيان كه بزرگواري و حسن شهرت و نامداري در علم را پشت اندر پشت به ميراث برده، براي برگزاري مجلس وعظِ آن شب كه شب جمعه، هفتم محرم است، به مسجد مي­آيد. امّا رسيدن او به مسجد تا پاسي از شب گذشته به تأخير افتاد، حرم انباشته از منتظران بود و آن خاتون همچنان در جاي خود نشسته.( 18 )

سپس آن مجلس به پايان رسيد و اميرالحاج روانه شد آن خاتون نيز از جاي خود برخاست و برفت. هنگام رسيدن صدرالدين مذكور پرده را از برابر آن خاتون برگرفته بودند. او ميان خادمان و همدمان خود، پيچيده به رداي خويش نشسته بود از احتشام و نامداري شاهوار آن زن در شگفت شديم.( 19 )

\* حضور زنان در عمره اول ماه رجب

«... از شگفت ترين چيزها كه ما ديديم هودج سيد بانو جُمانه دختر فُلَيْتَه ، عمه امير مكثر بود كه دامان پرده آن به جلوه و شكوهي تمام بر زمين مي كشيد و نيز ديگر هودج­هاي متعلق به حرم امير و حرم سرداران وي و بسياري هودج­هاي ديگر كه از انبوهي و فزوني، شمار آن­ها بر ما دشوار و تعدادشان بيرون از حد شمار بود... در سرتاسر راه، از دو سوي آتش ها برافروخته بود، پيشاپيش اشتران حامل هودج­هاي زنان توانگر و متشخص مكه نيز شمع روشن مي كشيدند.» ( 20 )

\* حضور زنان در عمره روز دوم ماه رجب

چون روز دوم (موسم رجب) يعني جمعه فرا رسيد راه عمره از انبوهي سواران پيادگان زن و مرد همچون روز پيش بود (و هر كس گرم كار خويش). زنان پياده نايب الزياره بسيار بود كه در اين راه مبارك بر مردان پيشي مي‌گرفتند. خداوند به لطف خود زيارت همه ايشان را قبول كند... .

در اين ميان چون مردان به يكديگر رسند دست مي دهند و به يكدگر دعا مي كنند و براي هم آمرزش مي طلبند و زنان نيز چنين مي كنند.( 21 )

\* حضور زنان در عمره روزهاي ديگر ماه رجب

در اين ماه (رجب) عمره گزاري مرد و زن، روز و شب پيوسته بر دوام است امّا اجتماع همگاني و شامل خاص و عام در همان نخستين شام، يعني شب فرا رسيدن موسم (عيد) نزد ايشان صورت بندد. در اين ماه مبارك درِ گرامي خانه (كعبه) را هر روز مي گشايند و چون روز بيست و نهم اين ماه برسد (ورود به كعبه) تنها به زنان اختصاص داده شود. بدان روز براي زنان در مكه جشني بزرگ نمايش داده مي شود كه قيامتي است از آرايش (مكّيان) و از پيش براي آن آماده شده اند.

ما در روز پنج شنبه پانزدهم اين ماه مراسم اجتماعي را براي عمره ديديم كه شبيه مراسم نخستين روز اين ماه بود و يك تن از مردان و زنان مكه نبود كه به عمره بيرون نيامده باشد. كوتاه سخن، اين ماه مبارك سرتاسر از عبادات گوناگون چون عمره و ديگر زيارت ها داير و سرشار است و روزهاي نخست و نيمه و نيز بيست و هفتم آن نصيب بيشتر و برجسته تري از اين مراسم دارد.( 22 )

\* حضور زنان در عمره بيست و هفتم رجب

شب سه شنبه بيست و هفتم اين ماه، يعني ماه رجب، ديگر بار مراسمي بزرگ در بيرون شدن به عمره از مكيان به ظهور رسيد كه دست كمي از مراسم اجتماع و جشن نخستين نداشت و مرد و زن به همان صفات و هيأت ها ـ كه پيشتر ياد كرديم ـ براي تبرّك جويي از فضل اين شب، به انبوه بيرون آمدند، چه اين شب از شب هايي است كه فضيلت آن شهرت دارد.( 23 )

ابن جبير به جز اين موارد در جاهاي ديگر نيز حضور زنان را در انجام امور معنوي به اجمال گزارش كرده است.( 24 )

3. سفرنامة ابن بطوطه (770 ـ 703 ق.)

ابن بطوطه، سفرش را در روز پنجشنبه، دوم رجب سال 725 قمري آغاز كرد. در آن هنگام 22 سال داشته( 25 ) و در سال 756 سفرش را پايان مي­دهد.( 26 ) اين سفر سي سال به درازا مي انجامد. در اين مدت، هفت نوبت حج به جا مي­آورد( 27 ) يعني سال­هاي 726،( 28 ) 727،( 29 ) 728،( 30 ) 729،( 31 ) 730،( 32 ) 732( 33 ) و 749 ( 34 )

گزارش تفصيلي سفر حج وي، همان گزارش نخستين سفر است كه در جلد نخست از ترجمة سفرنامه، از صفحة 154 تا 215 جاي دارد.

ابن بطوطه در اين سفرنامه، به حضور زنان در حج و مناسك و اعمال آن، کمتر پرداخته است كه به آن اشاره مي­شود:

الف. طواف زنان مكه در شب هاي آدينه

زنان مكه بسيار زيبا و خوشگل و پاكدامن و عفيف هستند و عطر زياد مصرف مي كنند، چنانكه ممكن است زني شب گرسنه بخوابد و پول شام خود را براي خريد عطر خرج كند. زنان مكه شب هاي آدينه را به طواف كعبه مي آيند و در اين شب ها بهترين لباس هاي خود را مي پوشند ، بوي عطر سراسر حرم را فرا مي گيرد و چون زني از جايي عبور مي كند بوي عطر تا مدتي در رهگذر او باقي مي ماند.( 35 )

ب. حج دختر الملك الناصر و زوجه او

نخستين وقفه من روز پنجشنبه سال 726 بود. امير الحاج مصر ارغون دوادار (دواتدار) نائب الملك الناصر بود. دختر ناصر نيز كه زوجه ابوبكر پسر ارغون مذكور بود و زوجه الناصر به نام خونده كه دختر سلطان محمد اوزبك پادشاه سرا و خوارزم بود در آن سال به زيارت حج آمده بودند.( 36 )

4. سفرنامه جلال آل احمد

جلال آل احمد در سال 1343 شمسي (21 فروردين تا 13 ارديبهشت) به حج رفته است. يادداشت­هاي سفر حج را با عنوان «خسي در ميقات» منتشر كرد.

اين سفرنامه در ميان سفرنامه­هاي فارسي، يكي از بهترين و شايد بتوان گفت بهترين آن‌ها است. رواني قلم، بيان احساس دروني، توجه به واقعيت­هاي بيرون، پرهيز از توصيه و اندرز، توجه به زواياي نگفته و نديدة حج، سبب امتياز اين سفرنامه است.

جلال در اين سفرنامه به كنار بودن زنان و ميدان ندادن به آن­ها اشاره­هايي دارد:

1. «...زن ها در اين مراسم واقعاً كه كنار گودند. به بقيع راهشان نمي­دادند، به مشاهد اُحُد هم. به زمزم هم. و امشب سر بام طبقة دوم مسعي عده­اي­شان جلو ـ لب بام ـ جا گرفته بودند براي نماز و حسابي دل خوش كرده و تماشا كنندة خانه و طواف دورش. كه دو سه تا تركمن از راه رسيدند و حالي‌شان كردند كه زن­ها بايد بروند عقب مردها و رفتند.» ( 37 )

2. «و باز اين زن­ها كه موقع نماز بايد بروند عقب مردها! ولي سر صف كه بوديم، به تشهد نشسته، زنكي سياه پوش و بچه‌اش در دنبال، از سر دوش مردها شلنگ زنان مي­رفت به طرف حجر، تا با دل سير استلام كند. حرم پر بود و سوزن انداز نداشت و صف پشت صف. اما زنك انگار نه انگار كه از ميان موانع سنگي يك بيابان دارد مي گذرد. نه هيبتي از خانه، نه حرمتي براي صف نماز مردان. و ديدم كه صاحب خانه اوست.» ( 38 )

همچنين رساندن آب به مكه را توسط زبيده، در چند جاي كتاب گوشزد كرده است.( 39 )

بخش يك. سفرنامه‌هاي زنان

1. سفرنامة منظوم ،( 40 ) زوجة ميرزا خليل (قرن 12)، چاپ شده در نسخة خطي كتابخانه مركزي دانشگاه تهران، ش2591

2. سفرنامة مكه ،( 41 ) دختر فرهاد ميرزا، همسر نصير الدوله، سال 1297ق. چاپ شده در فصلنامة «ميقات حج»، (ش 17، صص117ـ 57) و داراي نسخه خطي دركتابخانه شمارة 2 مجلس، ش1225

3. سعي هاجر ، شكوه ميرزادگي، انتشارات فاروس ايران، 1356

4. ذكريات علي تلال مكه ، بنت الهدي، دارالتعارف،1400، بيروت، بخش­هايي از سفرنامه توسط جناب­آقاي جواد محدثي ترجمه شده و در فصلنامه «ميقات حج»، شماره9 و 10 به چاپ رسيده است.

5 . وعدة وصل ، فاطمه صالحي، «ميقات حج»، ش21، صص198 ـ 192

6. يكي از كهن­ترين سفرنامه­هاي حج ، سفرنامة ابن جبير است كه در سال579 قمري رخ داد. اين سفرنامه توسط آقاي پرويز اتابكي به فارسي برگردانده شده است.

وي گزارش ورود زنان به درون كعبه را چنين گزارش كرده است:

«... روز بيست و نهم اين ماه (رجب)؛ يعني روز پنج شنبه (زيارت درون) خانة كعبه تنها به زنان اختصاص داده شد و آنان از هر كران درآمدند و از چند روز پيش همچون آمادگي و گردهمايي براي ديدار (ديگر) زيارتگاه­هاي مكرم، بدين مناسبت خود را آماده كرده و جشن گرفته بودند و زني در مكه نماند مگر آن كه آن روز در بيت الحرام شرف حضور و عزّ التزام يافت. چون كليدداران و پرده داران كعبه براي گشودن در آن خانة كريم به عادت قديم (به درون كعبه رفتند) در خروج از كعبه شتاب كردند (و از زمان توقف معهود خويش به ديگر روزها كاستند) و راه را براي ورود زنان گشودند، مردم نيز به خاطر آن­ها از طوافگاه و حيطة حِِجر (اسماعيل) دور شدند و پيرامون آن

خانة مبارك، يك تن از مردان باقي نماند. زنان شتابان از پلكان به آستان كعبه بالا رفتند؛ چنان­كه پرده داران هنگام به زير آمدن از آن گرامي خانه، نمي‌توانستند از ميان آنان راهي به بيرون يابند. زنان زنجيروار به يكديگر پيوستند و چنان يكديگر را مي­فشردند (كه به يك لغزش پاي) شيون كنان و تكبير و تهليل گويان بر روي هم فرو غلتيدند. ازدحام ايشان به ازدحام قبايل سرو يمني هنگام درنگ آنان در مكه و بالا رفتن آنان (بر آستان كعبه) به روز (اعلام خبر) فتح بيت المقدس مي­مانست و حالِ اينان همان حال بود (و همان غوغا و قيل و قال) انبوه زنان، نيمه اول روز را به همين وضع ادامه دادند و در طوافگاه و حِجر داد دل گرفتند و از بوسيدن حجر الأسود و دست سودن بر اركان (كعبه) شفاي جان جُستند، اين روز نزد آنان بس بزرگ و نامدار و درخشان و با اعتبار بود. خداوند آنان را مستفيد فرمايد و عبادت خالصانة ايشان را عبادتي محض ذات كريم خود محسوب دارد.

باري به سبب وجود انبوه مردان (كه همواره كعبه را انباشته­اند) اين زنان بينوا و مغبون­اند؛ زيرا خانة گرامي كعبه را مي­بينند و در آن پناه گرفتن نمي­توانند. حجرالأسود مبارك را مي­نگرند و بر بوسيدن آن حسرت مي­برند (و خون دل مي خورند) و بهرة آنان از اين فيض، تنها ديدن است و آه به افسوس دميدن و در عالم خيال پر كشيدن و آنان را جز طوافي از دور بهره­اي منظور نيست. ايشان سال به سال به انتظار اين روز و بروز اين حال، چنان مانند كه چشم به راه شريف­ترين و گرامي­ترين عيدها دارند... خداوند به فضل و كرم خود، بدين حسن نيت و اعتقاد، ايشان را جزاي خير دهاد!» (صص180 و 181)

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

پي نوشت‌ها

1 . كتابنامه حج، ص 310

2 . همان.

3 . الدرر الفرائد المنظمة، تحقيق: محمد حسن محمد حسن اسماعيل، دار الكتب العلميه، ج 2، ص 481 ـ 493.

4 . ميقات، ش53 ، صص175ـ 194

5 . ميقات حج، ش17، صص15ـ 20

6 . ميقات حج، ش17، صص15ـ 7

7 . شماره 5 ، صص 539 ـ 232

8 . سفرنامه ابن جبير، ص65

9 . همان، ص424

10 . همان، ص229

11 . همان، ص252

12 . سفرنامه ابن جبير، ص157

13 . همان، ص129

14 . سفرنامه ابن جبير، ص181 ـ 180

15 . همان، ص221

16 . سفرنامه ابن جبير، صص130 ـ 129

17 . سفرنامه ابن جبير، ص232

18 . همان، ص248

19 . همان، ص249

20 . همان، ص172

21 . همان، ص174

22 . سفرنامه ابن جبير، ص178

23 . همان، ص179

24 . ر .ك. به: ص182، دو سطر به آخر، ص193، سطر 8 ، ص227، سطر3، ص251، سطر 7

25 . سفرنامه ابن بطوطه، ج1، ص51 ، ترجمه محمد علي موحد.

26 . همان، ج2، ص371

27 . همان، ج 1، ص29

28 . همان، ص154

29 . همان، ص294

30 . همان، ص295

31 . همان.

32 . همان.

33 . همان، ص341

34 . همان، ج2، ص3222

35 . همان، ج1، ص19

36 . همان، ج 1، ص 212

37 . خسي در ميقات، ص 96، انتشارات نيل، 1346

38 . همان، صص170 ـ 169

39 . همان، صص 133 و 148 و 168 ـ 169

40 . فهرست دانشگاه، ج 9، ص419، كتابنامه حج، ص175، ش662 ؛ ميقات، ش12، ص178

41 . فهرست، ج2، ص172